

# کمان

وَقَدْ كَانَتْهَا فِي حُدُودِهَا فِي نِسْبَةِ السَّم

در یکی از اطاقهای طبقه فوقانی موزه آستان قدس نمونه‌هایی از سلاحهای سرد نگاهداری می‌شود. این نمونه‌ها اگرچه خیلی متنوع و زیاد نیستند اما برای نشان دادن هنر اسلحه‌سازی ایران کافی به نظر می‌رسند.

صنعت اسلحه‌سازی از دیرباز در بسیاری از نقاط ایران نظیر خراسان و لرستان رواج داشته‌است و صنعت گران ایرانی نوعی فولاد آب داده می‌ساخته‌اند که مدتها از فساد و زنگ‌زدگی محمون می‌مانده‌است. اگرچه اسلحه‌سازی برای رفع خوائج جنگی و شکار و بطور کلی ناشی از روح سلحشوری ایرانیان بوده‌است ولی کم‌کم ذوق و هنر ایرانی در آن اعمال قدرت کرده و نوعی از هنر تزیینی که می‌توان آن را هنر اسلحه‌سازی نامید بوجود آورده‌است. هنرمندان ایرانی با مهارت بسیار سلاح‌های جنگی را زینت دادند و اگرچه نوع این زینت‌ها بر حسب اسلحه تغییر می‌کرده‌است ولی غالباً نقوش هندسی ترنج‌ها و کادرهای هلالی و مجالس شکار و میدان‌های رزم و آیات و اشعار مناسب روی سلاح‌ها طلاکوبی و یا نوشته می‌شده‌است.

در این مقاله راجع به دو کمان که در موزه آستان قدس نگاهداری می‌شود بحث می‌کنیم:

۱- کمان بزرگ - این کمان که شماره پلاک اموال آن ۴۲۳۹ الف و به رنگ زرد مایل

به روناسی است مشخصاتی به شرح زیر دارد:

طول قوس (تمام کمان) ۶۴ سانتی متر

» ۴ ضخامت بدنه

» ۲ ساقه زاغ

۱۲ میلی‌متر عمق زاغ

جنس این کمان را از استخوان می‌دانند و آنچه این نظر را تأیید می‌کند نمایان شدن منظره

استخوانی از زیر پوسته‌های قبضه و ساقه کمان است بر اثر فرسایش و مرور زمان. شکل هندسی

کمان تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده‌است به همین جهت می‌توان آنرا نمونه نسبتاً اصیلی به شمار

آورد و دوام آنرا نشانه مهارت سازنده‌اش گرفت. این کمان سنه و تاریخی ندارد و تزیین آن بسیار ساده و منحصر است به چند اسلیمی و قوس و هلال‌مذهب که تا اندازه‌ای محو شده و جای به‌جای در ساقه یا قوس کمان و اطراف قبضه دیده می‌شود.



دو بیت شعر که عبارت از چهار مصراع باشد در روی کمان نوشته شده است و دو مصراع در سطح داخلی و دو مصراع در سطح خارجی کرد این قبضه را بصدق تمام این حافظ شهاب وقف امام داخل : شکرو لله (ظ : شکر لله) رفیق شد توفیق که بدلیخواه بنده گشت تمام ظاهر این شعر دلالت دارد که شهاب ابن حافظ این کمان را وقف کرده است و شاید با توجه به سوابق و نظایر این قبیل وقف‌ها بتوان گفت که سازنده کمان هم خود او بوده است. نوشته دیگری در این کمان نیست فقط در داخل دو زاغ دو بار عبارت عاقبت بخیر باد به خط ریژ نوشته شده است.

۲- کمان کوچک: شماره پلاک اموال این کمان ۴۲۹۶ الف و مشخصات آن بدین قرار است:

۱۷۵۶ متر

قوس (محیط کمان)

۴۸ سانتی متر

قطر اطول

قطر اقصی

» ۳۷

ضخامت بدنه

۶ - ۴ سانتی متر

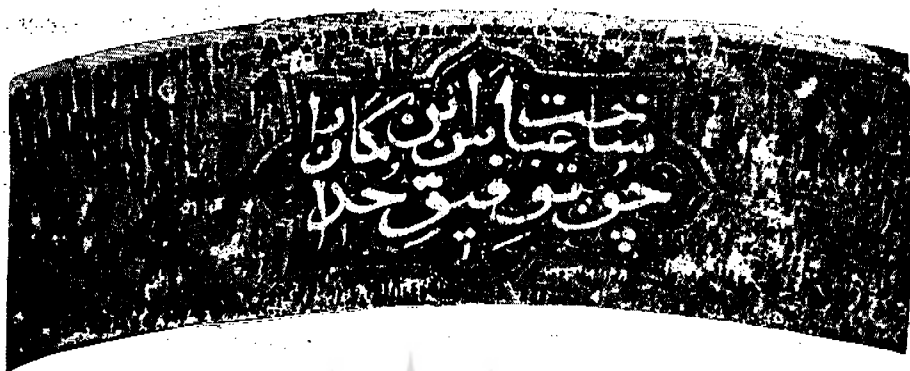


این کمان اگرچه ظریفتر و زیباتر است اما به خوبی کمان قبلی نیست بهمین جهت بر اثر مرور زمان هم پیچیده و به شکل بیضی درآمده است . ولی ترین و تذهیب قابل توجهی دارد . در سطح داخلی قبضه در ساقه کمان چهارترنج انداخته و در آنها به ترتیب نوشته اند : یا الله یا محمد ، یا علی ، و به تاریخ سنه ۱۱۳ (ظ: ۱۱۳ به قاعده حذف هزار) . در سطح داخلی و نوک زاغها نوشته اند سنه ۱۱۶۰ بنا براین می توان حدس زد که این کمان شاید در سال ۱۱۱۳ ساخته شده و بعد در سال ۱۱۶۰ یعنی در حدود ۴۷ سال بعد پس از ترمیم و دستکاری به آستانه تقدیم شده است . سازنده این کمان شخصی بنام عباس بوده است دلیل یک بیت شعراست که هر مصرع آن در یک کادر مذهب به خط نسخ درشت نوشته شده است . مصرع اول بین ترنج یا الله و یا محمد است (ساخت عباس این کمان را چون بتوفیق خدا) مصرع دوم در کادر دیگری است بین ترنج یا علی و ترنج سنه (کرد وقف حضرت سلطان علی موسی الرضا) . روی ساقه و نوک زاغهای این کمان یک بیت شعر به خط ریز نوشته شده است: یک مصرع در سطح خارجی زاغ و مصرع دیگر در سطح داخلی و آن بیت اینست :

..... عباس خاک ره ارتضا

زه آورد قوسی ز بهر قضا

پیش از عباس کلمه‌ای است نظیر حسین اما تردیدی نیست که اگر حسین باشد وزن شعر بهم می‌خورد و غلط عروضی پیدا می‌کند. پیدا کردن شکل صحیح این کلمه برای ما مقدور نیست و فرض اینکه حسین عباس بوده و نویسنده یا تعمیر کننده از سر اشتباه شعر را به این صورت درآورده باشد فرض بعیدی است.



کمان کوچک - سطح داخلی قبضه



کمان بزرگ - سطح داخلی قبضه

روی بدنه خارجی زاغ کلمه درشت‌وقف که تا اندازه‌ای محو شده است به زحمت خواننده

می‌شود.

علی اکبر شیرینان

ذیل :

کمان یکی از سلاح‌های قدیمی ایران است . آثار باقی‌مانده از قدیم نظیر حجاری‌ها و سکه‌ها و نقاشی‌ها و حتی متون و اشعار فارسی دلالت دارد که ایرانیان قدیم از تیرو کمان استفاده می‌کرده‌اند . در تخت جمشید نقش‌نگاهبانان پارتی با موهای مجعد و تیردانها و کمانهای بلند جلب نظر می‌کند. شاهنامه و دیگر متون قدیم فارسی حکایت از مهارت ایرانیان در تیراندازی و سوارکاری دارد مخصوصاً اشکانیان را به تیراندازی سواره و مهارت در جنگ و گریز ستوده‌اند . اصطلاحات کمان و متعلقات آن در متون و کتابهای لغت فراوان است و بعضی از آنها ریشه باستانی و اوستائی دارد . از باب تکمیل این گفتار بعضی از این اصطلاحات در اینجا با توضیح مختصر آورده می‌شود :

۱- زه به کسر - کلمه ریشه\* اوستائی دارد ، در اوستا *zā* به معنی وتر

کمان و در پازند *kāz* به معنی ریسمان و نخ است ، بعدها این کلمه وسعت معنی پیدا کرده و در فرهنگ‌ها به معنی چله\* کمان و ابریشم و روده\* تاب‌داده آمده‌است. به قول صاحب‌آندراج کناره\* هر چیز زه است بهمین جهت زه حوض و زه صدف و زه پیراهن در کتابهای لغت ضبط شده‌است . زه کمان مسلم از روده\* تاییده تهیه می‌شده‌است . ولف در فرهنگ لغات شاهنامه زه را طناب یا ریسمان و وتر معنی کرده‌است . زه از کمان جدا می‌شده‌است و در مواقع احتیاج آنرا به کمان می‌انداختند کمان به زه کردن و یا کمان به زه نهادن که در شاهنامه و متون قدیم آمده‌است بهمین معنی است در داستان رستم هست که هیچ کس کمان او را نمی‌توانست زه کند .

عرب‌ها این کلمه را معرب کرده زیق گفته‌اند . زیق القمیص بمعنی زه پیراهن است زه پیراهن از ابریشم با گلابتون تاییده در سردامن و سرآستین انداخته می‌شده‌است. به جای زه چله هم می‌گفته‌اند «وتیر به چله\* کمان نهاده از شست‌رها کرد» عبارتی است که نظیرش در داستانهای عامیانه آمده‌است.

۲ - پیکان : ظاهر آ ریشه\* اوستائی دارد زیرا چنانکه آقای دکتر معین در حواشی برهان قاطع نوشته‌اند جزئی از کن اوستائی به معنی کردن در آن هست . در پهلوی پیکان به معنی نوک تیز تیر و نیزه یا تیر و سنان آمده‌است این کلمه را ترجمه نصل عربی گرفته‌اند. پیکان را از فولاد و نوک تیز می‌ساخته‌اند و گاهی بآن داروی سمی می‌زده‌اند تا کارگر تر باشد، سلمان می‌گوید: هر آن پیکان پولادی که بنشانند در تیری بخون ظالم آن پیکان کنون لمعی است پیکانی (به نقل آندراج)

ولف این کلمه را به دو صورت پیکان و بیگان ضبط کرده و به معنی تیز و نوکدار آورده است .

۳- خدنگ : غالباً به صورت وصفی یا اضافه آمده است : تیر خدنگ . خدنگ دراصل اسم درختی است (توز) و به نظر فرهنگ نویسان همان درخت گراست . معادل آن در عربی طرفا وائل (نوع بزرگ آن) است آنرا شجره العذبه گفته اند درطب قدیم برای آن خواصی قائل بودند بهمین جهت در تحفه حکیم مومن و کتابهایی نظیر آن شرحی درباره خواص آن ذکر شده است آقای دکتر زاهدی اسم لاتین آنرا Tamarix Orientalis ذکر کرده اند (واژه نامه گیاهی ص ۱۷۶) . ولف آن را به معنی چوب سخت و خشن آورده است چوب محکم و سخت این درخت برای ساختن تیر به کار می رفته است و حتی زین اسب و نوعی کاغذ را نیز با آن می ساخته اند اینست که تیر خدنگ و زین خدنگ معروف بوده و در فرهنگها ضبط شده است . معرب این کلمه به صورت خلنج نیز نقل شده است (آندراج) .

۴- سوفار یا سوفال : (آندراج) زیرا ر و لام بهم تبدیل می شده است این که در لهجه مشهدی به جای دیوار و سوراخ ، دیفال و سولاخ می گویند طبق همین قاعده است دربرهان قاطع آمده است که سوفار هر سوراخ را گویند عموماً و سوراخ تیر را نیز گفته اند . در آندراج آمده است که سوفار بالضم دهان تیر که چله کمان در آن بند کنند و سوراخ سوزن را نیز گویند . ولف در فرهنگ لغات شاهنامه این کلمه را چوب خط معنی کرده است .  
۵- کیش تیردان است ، جعبه یا مخزنی بوده است که تیرها را در آن می گذاشته اند و به کمر می بسته و یا به زین اسب آویزان می کرده اند . تراکش یا تیرکش نیز به همین معنی است (برهان قاطع) .

۶- زاغ : دوسر کمانها خمیدگی و یا انحنائی قلاب مانند داشته است که به آن زاغ می گفته اند . هر کمان دو زاغ داشته است (فردوسی) : دو زاغ کمان را بزه بر نهاد - شاهنامه چاپ دبیرسیاقی ۲ ج ص ۱۳۰) وجه تسمیه زاغ کمان ظاهراً از باب شباهت به سر زاغ یا رنگ زاغ بوده است (رشیدی) در شعر قدیم فارسی برای زاغ کمان شواهد زیاد می توان جست مثلاً شمس طبسی راست :

شیر علم برات فنا زیر پنجه یافت      زاغ کمان مثال اجل زیر پر گرفت

(دیوان چاپ مشهد ص ۱۵)